

وداع

آخرین بار که عازم سوریه بود حال و هوای ویژه و وصف‌ناشدنی داشت. براساس گفته همکلاسی‌ها، سید در آخرین جلسه درس فقه حال عجیبی داشت. ایشان در تحلیل و بررسی مباحث رجالی اهتمام زیادی داشت؛ با همین سابقه، وقتی نوبت به بررسی یک مسئله رجالی رسید، استاد آن را به عهده ایشان گذاشت که در جلسات بعد مطلب را ارائه بدهد، اما او با آرامش و وقار، خطاب به استاد گفت: «شاید حیاتی باقی نباشد». با شنیدن این سخن حال و هوای خاصی در کلاس ایجاد شد؛ انگار می‌دانست این آخرین سفر است. او پس از یک سال و چند ماه نبرد و دفاع از حریم اسلام در آخرین روزهای اسفند ۱۳۹۴ به آرزوی دیرینه خود رسید و به دست مزدوران اسرائیلی (داعش) که جنایتکارترین افراد در تاریخ بشریت هستند، به درجه رفیع شهادت نائل آمد و پیکر پاکش پس از ۹ ماه شناسایی و به قم و حرم حضرت معصومه (س) برگشت.

فرآزی از وصیت‌نامه

سید شهید در قسمتی از وصیت‌نامه خود که در واپسین روزهای عمر شریفش نوشته شده است، وعده‌های الهی را محقق شده دیده و ما را از عمق بینش، معرفت و نورانیت خاصی که در پرتو جانفشانی برای



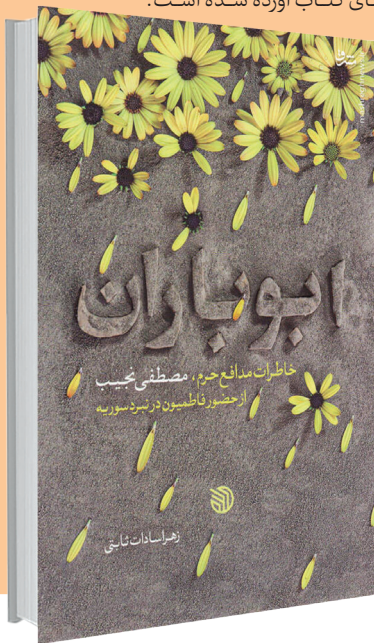
عمره بزرگوارش نصیبش شده، آگاه می‌سازد و می‌نویسد: «در زمانی که گروه‌های تکفیری و وهابیت از سراسر دنیا کمر به قتل شیعیان بی‌پناه بسته‌اند، سزاوار نیست من به عنوان کسی که ادعای شیعه بودن دارم و ملیس به لباس سربازی آقا بقیه الله الاعظم روحی له الفداء هستم، نسبت به این فاجعه بزرگ بی‌تفاوت باشم. حجت بر من تمام شده است و یقین دارم در این برهه از زمان وظیفه من همین است که قصد اعلام آن را دارم.» «... در بهشت منتظران هستم. خداوندا! شهدای ما را با شهدای کربلا محشور و ما را به آنان ملحق بگردان. آمین یا رب العالمین. بنده گنهکار خدا ... سید مهدی».

روایت رفیق شهید که شهید شد

شهید مدافع حرم، «احمد مکیان» از شهید «سید محمد مهدی هاشمی نژاد» خاطره گویی می‌کند. شهید احمد مکیان یکی از حافظان قرآن کریم خوزستانی و طلبه مدرسه علمیه امام رضا (ع) قم است که در سن ۲۱ سالگی در روز سه شنبه ۱۸ خرداد ماه سال ۱۳۹۵ هجری خورشیدی برابر با یکم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۳۷ هجری قمری در سوریه به فیض عظیم شهادت نائل شد و پیکر پاکش به ایران انتقال یافت.

چند دقیقه با کتاب «ابو باران»

یکی از نیروهای پاسدار، یک ماشین یخچال‌دار پر از آب میوه برداشت تا برای بچه‌ها به خط ببرد. معمولا وقتی بچه‌ها ماشین حمل آب میوه را در جاده می‌دیدند، مدام دست تکان می‌دادند تا ننگه دارد اما... کتاب «ابو باران» خاطرات مدافع حرم، مصطفی نجیب از حضور رزمندگان غیور لشکر فاطمیون (رزمندگان افغانستانی) در نبرد سوریه است. پیش از این هیچ کتابی با این جزئیات و اطلاعات دقیق و جذاب، نبرد در سوریه را به مخاطبان نشان نداده است. انتشارات خط مقدم تا کنون کتاب‌های شاخصی را منتشر و روانه بازار کرده است. این کتاب در ۳۳۵ صفحه تدوین شده و زهراسادات ثابتی، زحمت نگارش خاطرات را بر عهده داشته است. در این کتاب از شهدای زیادی یاد شده که تصاویر آن‌ها در انتهای کتاب آورده شده است.



ابو باران

آری، او با این وصیت آرزوی دیرینه خود را بازگو کرده و به همه ما درس مقاومت، ایثار و فداکاری می‌دهد.

- منابع:
- کانال رسمی سردار شهید حجت
- فرهنگ و رسانه فاطمیون
- رسانه مردان نبرد

